

ارایه ارزیابی امنیتی الگوی حزبی مناسب برای جمهوری اسلامی ایران

که احمد عبد اللهزاده^۱

که محمدرضا عیوضی^۲

□ **چکیده:** این مقاله در پی آن است که برای فعالیت حزبی از منظر امنیتی الگویی برای جمهوری اسلامی ایران ارائه دهد تا ضمن افزایش سطح مشارکت سیاسی و گسترش فضای رقابتی از کاهش ضریب امنیتی نیز جلوگیری شود. برای رسیدن به الگوی مناسب ابتداء بایستی رابطه بین فعالیت حزبی و امنیت به درستی تعریف و تعیین شود. به همین منظور سعی شده است تا ضمن ارائه تعریفی از امنیت که مناسب با قوانین موجود در نظام جمهوری اسلامی باشد، شاخص‌های امنیتی‌ای تعیین شود که به توان توسط آن نظام‌های حزبی موجود در مورد ارزیابی امنیتی قرار داد. در ادامه ضمن تعریف حزب و انواع نظام‌های حزبی مطرح در کشورهای گوناگون و بررسی نقاط ضعف و قوت آنها، هر یک از آن نظام‌ها اعم از رقابتی (دو حزبی، چند حزبی و حزب مسلط) و غیررقابتی (تک حزبی)، با شاخص‌های امنیتی نظام جمهوری اسلامی ایران مورد ارزیابی امنیتی قرار گرفته و سپس با توجه به شرایط داخلی و خارجی انقلاب اسلامی الگوی حزبی مورد نظر پیشنهاد گردیده است تا ضمن در نظر گرفتن شرایط خاص انقلاب و حفظ امنیت و منافع ملی در رقابت‌های حزبی، آزادی‌های مطروحه در قانون اساسی نیز ملحوظ نظر قرار گیرد.

□ **واژه‌های کلیدی:** امنیت ملی، حزب، نظام‌های حزبی، رقابت سیاسی، ارزیابی امنیتی

^۱ عضو هیأت علمی دانشکده امام هادی(ع)

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)

□ مقدمه

یکی از مسایل مهم در نظام‌های سیاسی مردمی، دادن پاسخ به این سؤال است که آیا در عین پذیرش رقابت‌های سیاسی در سطح جامعه و کوشش برای افزایش سطح مشارکت مردمی خصوصاً در قالب احزاب و گروه‌های سیاسی، می‌توان امنیت جامعه را نیز حفظ نمود و از آسیب رساندن به آن جلوگیری کرد؟ و آیا می‌توان عوامل امنیت‌زدایی که باعث ایجاد ناامنی می‌گردند و انسجام ملی را مورد خطر قرار می‌دهند را دفع کرد؟

نسبت این دو مقوله مهم با یکدیگر چیست؟ آیا این دو مقوله با یکدیگر متناقض بوده و نمی‌توانند با یکدیگر در یک موضوع جمع شوند؟ و یا این که این دو مقوله نه تنها با یکدیگر تناقض نداشته، بلکه می‌توان با ایجاد نظام منطقی، نسبتی را بین فعالیت‌های سیاسی و رقابت‌های حزبی و گروهی ایجاد کرد؟

آیا بین این دو مقوله نسبت به تساوی برقرار است؟ به این معنی که هیچ یک بر دیگری ارجحیت نداشته و هر دو از یک ارزش واحد و مساوی برخوردارند؟ و یا این که یکی بر دیگری ارجحیت داشته و در صورت تقابل بین آن دو یکی از آنها به دلیل برخورداری از اهمیت بیشتر بر دیگری اولویت داشته و به عبارت دیگر یکی از آن دو اصل و دیگری فرع تلقی می‌شود.

آنچه از تجارب حاصله از تاریخ اجتماعی بشر به دست می‌آید، این است که امنیت همواره از امور حیاتی بوده و از ارزش خاص و ویژه‌ای برخوردار بوده است، بدین معنی که در صورت نبود امنیت هیچ یک از جنبه‌های زندگی بشر امکان رشد و پیشرفت نداشته و همه حوزه‌های بشری به شدت متأثر از این مقوله هستند. در واقع هیچ یک از عناصر زندگی اجتماعی را نمی‌توان جایگزین امنیت نمود. به نظر می‌رسد همه مکاتب، اعم از الهی و بشری در این خصوص دارای نقطه‌نظر مشترکی می‌باشند. از نظر اسلام نیز امنیت یکی از اصول اساسی و مهم بوده و حالتی اجتناب‌ناپذیر در زندگی جمعی و عنصری ضروری برای بهره‌وری از مزایا و مواهب حیات محسوب شده و زمینه‌ساز تکامل و ارتقاء بشر تلقی می‌گردد. در اسلام از امنیت به عنوان یکی از مقدس‌ترین آرمان‌های بشری و الهی یاد شده است. این اهمیت آنچنان است که ایمان که از آن به عنوان عنصر کلیدی و تعالی سرنوشت انسان یاد می‌شود خود ریشه در امنیت دارد و برگرفته شده از آن و نشانگر ارزش والای امنیت و قداست آن در تعالیم اسلام است که حتی ایمان با همه اصالت و ارزش آن وسیله‌ای است برای رسیدن به امنیت و تعبیر قرآنی «والذین آمنوا» اشاره به انسان‌هایی دارد که یا خود

را به مقام امن رسانده‌اند و یا این که آنها دارای امنیت بوده و از آن برخوردارند. (عمید زنجانی، ۱۳۷۳: ۳۸۳)

در این مقاله تلاش شده است تا مسأله رابطه نوع نظام حزبی با امنیت ملی کشور مورد بررسی قرار گیرد. بدیهی است پاسخ به این سؤال مبتنی بر پذیرش دو مسأله است. اولاً قانون اساسی وجود احزاب و گروه‌های سیاسی را پذیرفته و به صراحت آن را مورد تأیید قرار داده و ثانیاً احزاب و سازمان‌ها بالفعل در صحنه سیاسی کشور حضور داشته و در حال فعالیت در قالب سیاسی با یکدیگرند. پذیرش این دو واقعیت مقدمه‌ای است برای طرح این موضوع که کدام یک از نظام‌های حزبی موجود در جهان برای فعالیت در صحنه سیاسی کشور ما مناسب و مفید است؟ تا در عین افزایش سطح مشارکت مردمی بتوانیم امنیت ملی کشور را حفظ نمود.

□ مفاهیم و تعاریف

ب- تعریف امنیت و شاخص‌های آن

تعریف و تبیین نسبت امنیت^۱ و رابطه آن با فعالیت احزاب و رقابت‌های سیاسی آنها از موضوعات اساسی و دارای اهمیتی است که باید به درستی به آن پرداخته شود. نگاه به فعالیت حزبی از منظر امنیتی در هر جامعه‌ای با توجه به نوع بینش امنیتی حاکم بر آن جامعه معنی پیدا می‌کند، بدین منظور باید از امنیت تعریف و تفسیری ارایه داد که در پرتو آن بتوان به تعریف و ترسیم نقش و جایگاه فعالیت حزبی و نوع نظام‌های حزبی در جامعه پرداخته شود.

بدیهی است امنیت هم از فعالیت‌های حزبی و نوع نظام‌های مربوط به آن تأثیر می‌پذیرد و هم به دلیل اهمیت اساسی امنیت در مقایسه با فعالیت‌های حزبی، بر آن تأثیر می‌گذارد.

احزاب سیاسی از جمله نهادهای مؤثر و مهم مربوط به جوامع معاصر محسوب می‌گردند و علی‌رغم جدید بودن آن، در عرصه تحولات سیاسی کشورها از جمله کشور ج.ا.ا نقش و تأثیر بسزایی داشته و همواره پس از انقلاب اسلامی ایران در ثبات و یا عدم ثبات سیاسی و امنیتی نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک متغیر مهم و تأثیرگذار نقش ایفا نموده است.

به همین دلایل می‌توان میان متغیر تحزب و انواع آن با ثبات سیاسی و امنیت ملی کشور رابطه و همبستگی قابل‌شد. تعریف و تبیین صحیح این دو موضوع- تحزب و امنیت- و رابطه متعامل آنها و میزان تأثیرگذاری هر یک بر دیگری و تعیین

نوع الگوی مناسب حزبی برای افزایش امنیت ملی از یک طرف و گسترش فضای رقابتی و افزایش سطح مشارکت سیاسی از سوی دیگر می تواند برای مدیریت سیاسی کشور دارای اهمیت بسیار زیادی باشد.

اکثر صاحب نظران و اندیشمندان امنیت را یکی از حیاتی ترین نیازهای بشر برای زندگی اجتماعی او دانسته اند و با وجودی که مفهوم امنیت در زندگی بشر قدمتی طولانی داشته و می توان ادعا نمود که این مفهوم در زندگی فردی و اجتماعی از آن زمانی ظهور یافته که بشر با مفهوم احساس ترس مواجه شده و همواره در جهت برخورداری از امنیت و تأمین آن تلاش و کوشش فراوانی نموده است لیکن تا کنون نتوانسته است به صورت جامع و کامل و با اتفاق آراء به این سؤال پاسخ دهد که امنیت چیست؟ و منظور از این اصطلاح کدام است؟

اولین نکته ای که در تعریف امنیت ملی توجه هر محقق و پژوهشگری را به خود جلب می کند، پراکندگی نظری و امکان برداشت های متفاوت از امنیت است که موجب گردیده تعاریف دلخواه و کاربردی از این مفهوم ارایه گردد، این تعاریف نه تنها متفاوت بوده بلکه گاه نیز متضاد می باشند و از آنجایی که مفهوم امنیت ملی با نیازهای دولت ها، حکومت ها، رژیم ها و مفاهیمی چون حفظ کسب و حفظ قدرت گره خورده، دارای آسیب پذیری فراوانی است (برداشت های دلخواه) و همواره مورد تفاسیر هر منوتیکی قرار می گیرد. (ربیعی، علی، ۱۳۸۴: ۱) علی رغم مشکلات موجود در تعریف امنیت، نظریه پردازان و اندیشمندان این حوزه تلاش کرده اند برای امنیت و تبیین مفهوم آن تعاریفی ارایه دهند. فرهنگ انگلیسی آکسفورد، امنیت را به معنای در «حفظ بودن»، «فراغت از خطر یا اضطراب و تشویش» تعریف کرده است و در دانش نامه سیاسی آمده است: «امنیت را در لغت به حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله، یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله می گویند.» (همان: ۱۱)

نظریه پردازان مختلف هر یک از زاویه ای به تعریف امنیت پرداخته اند، برخی با تعریف سلبی و در مقابل، برخی با تعریف ایجابی امنیت را تعریف کرده اند. امنیت در معنای ایجابی به معنای وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولتمردان و شهروندان و درمعنای سلبی به معنای نبود ترس، اجبار و تهدید تعریف شده است. (افتخاری، اصغر، ۱۳۷۸: ۲۲) در ذیل به بعضی از تعاریف ارایه شده در خصوص امنیت که به موضوع مورد بحث ما ارتباط بیشتری دارد و می تواند ما را در رسیدن به هدف مورد نظر در این مقاله یاری رساند پرداخته می شود.

از نظر مایکل اچ. اچ. لوه^۱ «امنیت ملی شامل سیاست دفاع ملی و نیز اقدامات غیرنظامی دولت برای تضمین ظرفیت کامل بقای خود- به عنوان یک موجودیت سیاسی- به منظور اعمال نفوذ و حصول به اهداف داخلی و بین المللی است.» (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۱)

جان. ئی. مورز^۲ امنیت را به «رهایی نسبی از تهدیدات زیان بخش» تعریف نموده است. از نظر کالج دفاع ملی کانادا امنیت ملی یعنی حفظ راه و روش زندگی قابل پذیرش... برای همه مردم و مطابق با نیازها و آرزوهای مشروع شهروندان، این امر شامل رهایی از حمله یا فشار نظامی، براندازی داخلی و نابودی ارزش های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که برای کیفیت زندگی ضروری هستند، نیز می شود.» (همان، ۳۱):

فرانگ. ان. تراگر و اف. ان. سیمونی^۳ گفته اند که: «امنیت ملی عبارت است از آن بخش از سیاست دولت که هدفش ایجاد شرایط مساعد سیاسی ملی و بین المللی برای حفاظت یا گسترش ارزش های حیاتی ملی در مقابل دشمنان موجود و بالقوه می باشد. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۱). واکبلر رحمان^۴ در تعریف امنیت گفته است که «امنیت یک ملت در برگیرنده وحدت سرزمین، ثبات رژیم، درک و شناخت سایر منافع ملی و بین المللی و تأمین و تحفظ حیات ساکنان در برابر تهدید، عمل و یا موقعیتی است که به هر طریقی به مسیر زندگی آنان لطمه وارد می کنند. به بیان دیگر، امنیت ملی ممکن است به توانایی یک ملت در نگهداری و حفظ نظم قانونی و تأکید بر هویت اصیل خود در زمان و مکان اطلاق شود.» (ربیعی، ۱۳۸۴: ۱۴) همان طوری که در تعاریف فوق دیده می شود اکثراً امنیت را به نبود تهدید نظامی یا محافظت از ملت در برابر براندازی یا حمله خارجی تعریف کرده اند، در حالی که با توجه به تحولات جدید در صحنه نظام بین المللی امنیت ملی مفهومی فراتر از حفظ و صیانت کشور دارد و دیگر تعریف امنیت به صیانت از تمامیت ارضی کشور برای پاسخگویی به آسیب های امنیتی کفایت نخواهد کرد، زیرا تهدیدات جدید ارزش ها و منافع زندگی سیاسی و اجتماعی کشور را به آشوب و هراس و سردرگمی دچار می کند. بنابراین گروهی از صاحب نظران امنیت ملی را به نوعی با مسأله ارزش ها و حفظ و بقای آنها تعریف کرده اند. به اعتقاد این دسته از محققین حفظ ارزش ها،

^۱ - Michael H. H. Louw.

^۲ - John E. Morz.

^۳ - Frank N. Trager and F. N. Simonie.

^۴ - Iqbalur Rehman.

معادل برقراری امنیت خواهد بود. حفظ ارزش ها از نظر این عده از صاحب نظران، حفظ جان مردم، تمامیت ارضی، استقلال، حاکمیت و ارزش های مربوط به سیستم سیاسی، اقتصادی را در بر می گیرد. (ربیعی، ۱۳۸۴: ۱۶)

از جمع‌بندی تعاریفی که در بالا از امنیت ملی ارایه گردید، می‌توان به این نتیجه رسید که امنیت ملی حداقل بایستی در برگیرنده مفاهیم زیر باشد:

- ۱) ضامن حفظ بقاء نظام سیاسی و حاکمیت ملی باشد و کشور را از تهدیدهای خارجی بالقوه و بالفعل مصون دارد.
- ۲) بایستی تأمین‌کننده ابعاد گوناگون منافع ملی باشد.
- ۳) از طریق ارتقاء امنیت ملی استقلال و تمامیت ارضی کشور حفظ گردیده و از نفوذ اجانب جلوگیری شود.
- ۴) بایستی موجب حفظ وحدت و انسجام کشور شده و مانع از تفرقه و چندپارگی قومی - مذهبی و... گردد.
- ۵) به وسیله امنیت ملی از ارزش‌های حیاتی و بنیانی نظام حفاظت و پاسداری شود.
- ۶) افزایش سطح مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- ۷) آزادی‌های سیاسی و اجتماعی آحاد جامعه و افزایش مشروعیت سیاسی
- ۸) شرایط لازم را برای رشد و توسعه اقتصادی فراهم نموده و منجر به ایجاد رفاه و رفع فقر و محرومیت‌ها گردد.
- ۹) پاسخگوی آسیب‌پذیری‌های مزمن داخلی که منجر به بی‌ثباتی کشور می‌شوند، باشد.

ب- بررسی مفهوم امنیت ملی در نظام جمهوری اسلامی ایران

اگر با دید امنیتی به قانون اساسی ج.ا.ا به درستی نظری افکنده شود به خوبی مشاهده می‌شود که مفاهیم ذکر شده از امنیت که در بالا ذکر شد در اصول متعدد قانون اساسی به صورت پراکنده وجود دارد که به برخی از آنها به صورت گذرا اشاره می‌شود:

- ۱) در اصل ۲۶ قانون اساسی فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و... مشروط به این شده است که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی و موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی نقض نشود.
- ۲) در اصل ۱۷۶ قانون اساسی فلسفه تشکیل شورای عالی امنیت ملی را

تأمین منافع و پاسداری از انقلاب اسلامی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی دانسته است.

۳) در اصل سوم قانون اساسی نیز دولت جمهوری اسلامی ایران موظف شده است که همه امکانات خود را برای مواردی از قبیل: ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب، محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون اساسی، مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمامی زمینه‌های مادی و معنوی، حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور و پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت و... به کار گیرد. در همین اصل سیاست خارجی کشور را براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان تعیین نموده است.

۴) اصل دوم قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران را نظامی می‌داند که بر پایه ایمان به ارزش‌های حیاتی و بنیانی همچون ایمان به خدای یکتا، وحی الهی، معاد، عدل، امامت و رهبری که کرامت و ارزش‌های والای انسان و آزادی توأم با مسؤولیت او در برابر خدا، نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی و... برپا شده است.

۵) اصل نهم قانون اساسی آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی را در نظام جمهوری اسلامی از یکدیگر تفکیک‌ناپذیر دانسته و وظیفه حفظ آنها را بر عهده دولت و احاد ملت گذاشته است و تأکید نموده است که هیچ فرد، گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و در مقابل هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.

در همه اصول مذکور و اصول دیگری که به علت طولانی بودن آنها از ذکر آنها خودداری شده است، به مفاهیمی از امنیت ملی اشاره شده است که به عنوان خطوط قرمز نظام محسوب شده و رعایت و حفظ آن در همه شرایط بر دولت، مردم و احزاب و گروه‌های سیاسی لازم دیده شده است.

پ- تعریف حزب

امروزه احزاب در سطح جوامع مدرن به عنوان قدرتمندترین ابزار اعمال حق حاکمیت و توسعه سیاسی و نوسازی اجتماعی محسوب می‌گردند. به طوری که ثبات سیاسی هر جامعه‌ای به میزان سطح مشارکت سیاسی آن و میزان نهادمندی مشارکت مردم بستگی دارد.

به عبارت دیگر ثبات سیاسی، انسجام ملی و امنیت ملی جوامع امروزی تا حد بسیار زیادی به سطح نهادمندی و مشارکت سیاسی مردم و شهروندان آن بستگی دارد و احزاب در این امر مهم- توسعه سیاسی و حفظ امنیت ملی- نقش بسیار حیاتی و اساسی را به عهده دارند.

احزاب سیاسی از طریق ارایه آگاهی‌های سیاسی، انسجام اجتماعی، همبستگی ملی، مشروعیت بخشیدن به حکومت و رفع منازعات قومی و تقویت جامعه‌پذیری سیاسی و مردمی می‌توانند در تأمین ثبات سیاسی و تأمین و تقویت امنیت ملی هر جامعه‌ای نقش تعیین‌کننده داشته باشند و موجبات استحکام امنیت ملی را فراهم آورند.

به دلیل اهمیت حزب در عرصه سیاست و حکومت، امروزه به ندرت نظام سیاسی را می‌توان دید که در آن یک یا چند حزب حضور فعالی نداشته باشد، تا جایی که حتی رژیم‌های دیکتاتوری و مستبد نیز تلاش دارند تا با طرح احزاب، حتی به شکل فرمالیته و نمایی به حکومت و سلطه خود مشروعیت بخشیده و ظاهری مردمی از حکومت خود به نمایش بگذارند.

حکومت‌ها از احزاب به عنوان ابزاری جهت ترغیب مردم در حمایت از مقاصد سیاسی نخبگان، تقویت و تحکیم اقتدار حکومت، کانالی برای مشارکت نیروها و گروه‌های اجتماعی در صحنه سیاست و ایجاد حلقه‌ای برای پیوند دادن گروه‌های قومی، صنفی و مذهبی استفاده می‌کنند. در واقع احزاب در جوامع امروزی از کارکردهای ویژه‌ای از قبیل شکل دادن به افکار عمومی، معرفی نامزدها در انتخابات، سازمان دادن به انتخاب‌شوندگان، اعمال نفوذ بر آنها، برقراری پیوند روانی بین فرد و سیستم سیاسی، مسالمت‌آمیز کردن رقابت‌های سیاسی در عرصه کسب قدرت و غیره برخوردارند.

بدیهی است علی‌رغم جنبه‌های مثبت وجود احزاب در جوامع، اگر این رقابت‌ها در چارچوب و ساختار قانونی مشخص و در قالب‌های منطقی و قانونی قرار نداشته باشند، خود می‌توانند باعث ایجاد هرج‌ومرج، آشوب و آشفته‌گی سیاسی گردیده و نه

تنها موجب ایجاد تقویت و استحکام امنیت ملی نشوند، بلکه تبدیل به امری می شوند که ضریب امنیتی جامعه را به شدت کاهش داده و ناامنی را در سطح اجتماعی به وجود آورند. تدوین قانون احزاب و اجرای ضوابط قانونی آن در سطح جامعه برای سامان دادن به رقابت‌های سیاسی و برای انتظام بخشیدن به مشارکت‌ها و تضمین رشد و ارتقاء سطح آنها است تا این رقابت‌ها منجر به پیدایش پدیده ضدامنیتی گردد.

در مورد حزب تعاریف متعددی از طرف محققین مختلف ارایه شده است و هر یک از آنها با توجه به زاویه دید و با توجه به منظری که از آنجا به حزب نظر افکنده‌اند و همین‌طور با توجه به موقعیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مختلفی که داشته‌اند تعاریف متعددی ارایه نموده‌اند.

در تعریف حزب گفته شده است که حزب یک سازمان سیاسی است که از همفکران و طرفداران یک آرمان تشکیل شده است و با داشتن تشکیلات منظم، برنامه‌های سیاسی کوتاه مدت و درازمدت برای نیل به آرمانش از دیگر اشکال سازمانی نظیر جبهه و گروه سیاسی مشخص می‌شود و معمولاً برای به دست گرفتن قدرت دولتی و با شرکت در آن مبارزه می‌کند. (آقا بخشی، ۱۳۸۳: ۴۹۳)

ادموند برک در تعریف حزب گفته است که حزب، گروهی از افراد جامعه‌اند که با یکدیگر متحد شده و بر مبنای اصول خاصی که مورد قبول همه آنهاست، برای حفظ و توسعه منافع ملی می‌کوشند. (محمدی‌نژاد، ۱۳۵۵: ۳۴) بعضی از محققین مانند "لابالومبارا" و "مایرون وینر" سعی کرده‌اند که به جای تعریف از طریق شناسایی و برشمردن ویژگی‌های حزب، این پدیده اجتماعی را مشخص کنند، براین اساس آنها حزب را پدیده‌ای توصیف می‌کنند که دارای ویژگی‌های ذیل است:

- ۱) تشکیلات پایدار سازمانی با دوام داشته باشد.
- ۲) وجود شعبه‌هایی که با مرکز پیوند و ارتباط داشته باشد.
- ۳) رهبران ملی و محلی تصمیم آگاهانه‌ای مبنی بر اکتساب و نگهداری قدرت تصمیم‌گیری، چه به تنهایی و چه در یک ائتلاف داشته باشند.
- ۴) سازمان نسبت به کسب آراء یا پشتیبانی مردم توجه داشته باشد.
- ۵) کوشش برای دست یافت به قدرت سیاسی (ابوالحمد، ۱۳۷۰: ۴۰۶)

دکتر حسن محمدی‌نژاد در کتاب احزاب سیاسی، پس از برشمردن تعاریف مختلف از متخصصین، مطالعات حزبی و جمع ترکیب آنها تعریفی را ارایه می‌کند که می‌توان آن را تعریف جامع و تا حد زیادی قابل قبول دانست. او در تعریفی حزب می‌گوید: «احزاب را می‌توان گروهی از افراد جامعه دانست که با اعتقاد و ایمان به

برخی اصول و داشتن هدف (یا اهداف) مشترک، در سازمانی با عنوان حزب متشکل شده و از طریق شعبه‌ها و قسمت‌های مختلف با یکدیگر ارتباط متقابل و مستمر دارند و می‌کوشند تا برای رسیدن به هدف (یا اهداف) و اجرای اصول مورد نظر حکومت را در دست گیرند. (محمدی‌نژاد، ۱۳۵۵: ۱۴۱)

ت- نظام های حزبی

در تعریف نظام حزبی می‌توان گفت که از مجموعه روابط متقابل میان احزاب سیاسی از یک سو و احزاب سیاسی و حکومت از سوی دیگر، نظام خاصی شکل می‌گیرد که از آن به نظام حزبی تعبیر می‌شود. غالباً سه نوع نظام حزبی، تک حزبی، دو حزبی و چند حزبی را محققان بر می‌شمرند و به شرح و توضیح آن می‌پردازند. برخی از محققان در دسته‌بندی دیگری نظام های حزبی را به دو دسته کلی رقابتی و غیررقابتی تقسیم کرده اند و برای هر یک و در زیرمجموعه آنها چند نوع نظام در نظر گرفته اند. از نظر آنها نظام رقابتی حداقل سه نوع نظام حزبی را شامل می‌شود که عبارتند از:

- نظام چند حزبی (اعم از کامل و ناقص یا معتدل)
- نظام دو حزبی که آن نیز بر دو قسم است. (کامل و ناقص یا سخت و منعطف)
- نظام حزب مسلط که برخی آن را نیز بر دو قسم تقسیم کرده اند. (نظام حزب مسلط و نظام حزب فوق مسلط)
- نظام غیررقابتی نیز فقط شامل نظام تک حزبی می‌شود. (ایوبی، ۱۳۸۲: ۲۴۶)

۱) نظام تک حزبی

به سختی می‌توان نظام تک حزبی را به عنوان نوعی از نظام حزبی تلقی کرد، زیرا پدیده حزب در محیطی معنی پیدا می‌کند که غیر از حزب بازیگر اصلی، بخش دیگری هم که طرف دیگر بازی را تشکیل می‌دهد وجود داشته باشد. به عبارت دیگر موجودیت حزب و اعتبار آن بستگی مستقیمی دارد به وجود احزاب دیگر و بدون حزب یا احزاب دیگر آن حزب واحد نیز اعتبار و اصالتی نخواهد داشت. احزاب واحد که در رژیم های کمونیستی و فاشیستی عرصه را در انحصار خود دارند، صرفاً از نظر ظاهری و شکلی به احزاب دموکراتیک شباهت دارند، ولی در واقع آنها به سپاهیان جنگی شباهت بیشتری دارند تا به یک حزب سیاسی رقابتی. کشورهایمانند شوروی سابق، کوبا، کره شمالی، چین که در آنها یک حزب واحد

سیاسی و قانونی وجود دارد، با این ظاهرسازی این امکان را پیدا می‌کنند که ساختار رسمی حکومت خود را به شیوه‌ای کارا تر اداره نمایند. در این نوع کشورها هر کوششی برای تشکیل حزب رقیب خیانت به شمار آمده و مورد مجازات قرار می‌گیرد. نظام‌های تک‌حزبی فاشیستی - اعم از نوع ایتالیایی و آلمانی آن - شبیه به نظام‌های تک‌حزبی کمونیستی بودند. حزب فاشیست در ایتالیای موسولینی از سال ۱۹۲۲ تا ۱۹۴۵ و حزب ناسیونال سوسیالیست کارگری آلمان (نازی) در آلمان هیتلری از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ تنها حزب قانونی در کشور مربوط به خود بودند.

۲) نظام‌های دو حزبی

از دیدگاه موریس دوورژه، متفکر و اندیشمند کلاسیک احزاب سیاسی، نظام دو حزبی طبیعی‌ترین نظام حزبی است. از دیدگاه، وی تقسیم‌بندی دوگانه احزاب به چپ و راست مطابق با خصلت و طبیعت بشری است، زیرا که درمقابل هر مسأله‌ای، افراد به دو دسته موافق یا مخالف تقسیم می‌شوند و افراد صاحب رأی ممتنع و میانه در واقع به یکی از دو طرف موافق یا مخالف گرایش دارند و افکار عمومی نیز به سرعت به دو بخش مقابل هم تقسیم می‌شوند و نظام دو حزبی سخنگوی این تعارض و ستیز دوگانه موجود در جامعه است. دوورژه معتقد است در طول تاریخ همواره شاهد دو گروه اساسی هستیم که در مقابل هم صف آرایی نموده اند که به عنوان مثال می‌توان از صف آرایی محافظه کاران در مقابل لیبرال‌ها، ترقی‌خواهی در مقابل حفظ نظم و وضع موجود، بورژواها در مقابل کارگران و غیره نام برد. (ایوبی، ۱۳۸۲: ۲۵۷)

ساموئل هانتیگتون در کتاب سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی در حمایت از نظام دو حزبی می‌گوید: این الگو که در آن دو گروه از رهبران سیاسی در چارچوب نظام موجود در صدد گسترش مبنای اجتماعی نظام بر می‌آیند، کمترین گسستگی را در رشته تکامل سیاسی به بار می‌آورد. اگر ورود نیروهای اجتماعی تازه به نظام سیاسی تحت تضمین و سرپرستی سازمان‌های شایسته‌ای رخ دهد، پذیرش آن آسان‌تر خواهد بود. فراگرد گسترش اشتراک سیاسی می‌تواند همچنان ادامه یابد و سازمان‌هایی که از این رهگذر استقرار می‌یابند، در صورتی کارآیی خواهند داشت که محصول یک مبارزه رقابت‌آمیز باشند. (هانتیگتون، ۱۳۷۰: ۶۰۵)

از نظر وی یک نظام دو حزبی ممکن است احزاب اکثریت و اقلیت داشته باشد، اما از این جهت با نظام مبتنی بر یک حزب مسلط تفاوت دارد که حزب اقلیت در این نظام چندان قدرت مخالفت دارد که در شرایط مساعد می‌تواند حکومت را از چنگ

اکثریت به در آورد. احزاب کوچک معمولاً در نظام های دو حزبی وجود دارند و وجودشان برای ایجاد موازنه قدرت میان دو حزب عمده کاملاً ضروری است، ویژگی شاخص یک چنین نظامی این است که در هر صورت، تنها دو حزب عمده می توانند حکومت را تشکیل دهند. (همان: ۶۰۸)

البته نظام دو حزبی به این معنا نیست که در یک کشور تنها دو حزب وجود داشته باشد، غالباً احزاب دیگری هم در کنار دو حزب بزرگ و قدرتمند وجود دارند. نظام دو حزبی در واقع شکلی از نظام چند حزبی است، منتهی دارای دو حزب مسلط می باشد.

در این نظام هر حزبی برای جلب پشتیبانی نیروهای اجتماعی با حزب دیگر رقابت می کند، اما هر دو حزب نظام می کوشند از میان نیروهای اجتماعی گوناگون پشتیبانان شان را به دست آورند. از نظر طرفداران این نظام از این مزیت برخوردار است که ثبات و پایداری را برای نظام سیاسی به ارمغان می آورد و موجب می شود افکار عمومی در مقابل مسایل کلی واکنش نشان دهد. در نظام دو حزبی، مسایل حزبی منطقه ای، اهمیت خود را از دست می دهند و جای آن را مسایل مهم مربوط به کل کشور می گیرند.

نظام دو حزبی انگلستان نمونه بارز و کامل یک نظام دوحزبی است، مردم همزمان با انتخاب نمایندگان خود، رییس دولت و قوه مجریه را نیز برمی گزینند و دخالت مستقیمی در انتخابات دو قوه اصلی کشور دارند. حامیان این نظام معتقدند در این نظام خبری از ائتلاف های سیاسی کاذب و شکننده نیست و دولت از ثبات و پایداری کافی برخوردار است و اثری از سقوط پیپای دولت ها نمی باشد. (ایوبی، ۱۳۸۲: ۲۵۷)

نظام دو حزبی خود به صورت های مختلفی شکل گرفته است و به گونه های متفاوت قابل تقسیم می باشد. مهم ترین تقسیم بندی نظام های دو حزبی به شرح ذیل می باشد:

الف) نظام دو حزبی سخت و منعطف

نظام دو حزبی سخت، نظامی است که احزاب سیاسی آن تابع نظم و انضباط شدید حزبی می باشند و نمایندگان اکثریت و اقلیت حق سرپیچی از دستورات رهبران حزبی را ندارند. نمونه بارز این نوع نظام دو حزبی نظام حزبی انگلستان است. نظام دو حزبی منعطف، نظامی است که احزاب سیاسی فاقد نظم و انضباط هستند و نمایندگان دو حزب اقلیت و اکثریت در پارلمان از آزادی عمل برخوردارند. نظام دو

حزبی آمریکا نمونه بارز نظام دو حزبی منعطف می باشد.

ب) نظام دو حزبی کامل و ناقص

از دیگر تقسیم بندی های متداول نظام دو حزبی، تقسیم آن به نظام دو حزبی کامل و ناقص می باشد. آنچه ملاک کامل یا ناقص بودن نظام دو حزبی است، درصد آراء احزاب در انتخابات است. شوارتزبرگ معتقد است در صورتی که دو حزب بزرگ مجموعاً ۹۰٪ یا بیشتر آراء را به خود اختصاص دهند، نظام دو حزبی کامل خواهد بود و در صورتی که دو حزب بزرگ ۷۵٪ تا ۸۵٪ آراء را به خود اختصاص دهند، نظام دو حزبی ناقص شکل خواهد گرفت. در نظام دو حزبی ناقص هیچیک از دو حزب بزرگ به تنهایی اکثریت پارلمان را کسب نمی کنند و مجبور به ائتلاف با یکدیگر و یا حزب سوم می باشند. کشور آلمان در مقاطع مختلف چنین نظام حزبی را به خود دیده است. (ایوبی، ۱۳۸۲: ۲۵۹)

۳) نظام چند حزبی

در بسیاری از کشورهای دموکراتیک جهان نظام چند حزبی وجود دارد. به جز چند کشور انگلوساکسن نظیر انگلستان، کانادا، زلاندنو و استرالیا غالب کشورهای دیگر دارای نظام چند حزبی هستند. نظام های چند حزبی نزدیک ترین نظام به اصول دموکراسی است، چون بیشترین امکان رقابت میان مواضع و منافع مختلف را فراهم می کند، اما در عمل این نظام اغلب به چند دستگی و بی ثباتی منجر شده است. در این نظام تشکیل دولت و دستیابی به ثبات مستلزم چانه زنی های طولانی و فرآیند پیچیده و متزلزلی از ائتلاف است. (نقیب زاده، ۱۳۷۸: ۹۸)

در کشورهای قاره اروپا نظام چند حزبی رایج است، در فرانسه، شمار این گونه احزاب در زمان هایی تا ۲۰ حزب بوده است. در آلمان، ایتالیا و سوئیس نیز نظام چند حزبی وجود دارد. چند گروه یا چند حزب دست به دست هم می دهند تا اکثریت را به وجود آورند. بنابراین، این گونه حکومت های حزبی به گروه ها یا احزابی که از راه ائتلاف آن را تشکیل داده اند وابسته می مانند. اگر احزاب همچنان در ائتلاف باقی بمانند حکومت پایدار خواهد بود، در غیر این صورت حکومت جدیدی با ترکیب تازه ای از ائتلاف احزاب در پشت سر خود موجودیت می یابد.

نظام چند حزبی غالباً به نظامی اطلاق می شود که دو حزب بزرگ و قدرتمند، نتوانند بیشترین درصد آراء را به خود اختصاص دهند و احزاب دیگری وجود داشته باشند که از درصد قابل توجهی از آراء برخوردار باشند، امروزه در دنیا نظام های چند حزبی متفاوتی وجود دارد. برخی از کشورها ۱۲ حزب و برخی دیگر دارای ۲۰ حزب

سیاسی در مجلس بوده اند. (ایتالیا، هلند و...)

امروزه نظام‌های چند حزبی متفاوتی در دنیا یافت می‌شود که می‌توان آنها را به دو دسته کامل و ناقص (معتدل) تقسیم کرد. (ایوبی، ۱۳۸۲: ۲۵۴)

الف) نظام چند حزبی کامل

در برخی از کشورها شاهد بیش از ده تا ۲۰ حزب می‌باشیم به عنوان مثال در کشور هلند در سال ۱۹۷۷، ۱۲ حزب سیاسی در پارلمان حضور داشته است. پارلمان ایتالیا تا قبل از اصلاح نظام انتخاباتی در سال ۱۹۹۴ چندین حزب سیاسی را در خود جای می‌داد و حدود ۲۰ حزب سیاسی در مجلس حضور داشتند. در مقابل برخی از کشورهای چند حزبی مانند کشورهای اسکانندیناوی دارای چهار حزب سیاسی و بلژیک و آلمان و اتریش غالباً شاهد حدود تنها ۳ حزب سیاسی در مجلس می‌باشند.

ب) نظام چند حزبی معتدل

با توجه به مشکلات نظام چند حزبی کامل، برخی از کشورها به نظام چند حزبی معتدل روی می‌آورند، هدف از این اصلاح، بهره‌گیری از نقاط قوت نظام چند حزبی و به حداقل رساندن پیامدهای منفی آن می‌باشد. کشورهایی که نظام انتخاباتی اکثریتی دو مرحله‌ای را در انتخابات پیشه خود ساخته‌اند به سمت چنین نظامی گرایش دارند. در این نوع نظام‌های حزبی، احزاب مختلف وجود دارند، ولی به تدریج ائتلاف پایداری میان آنها شکل گرفته و جامعه به دو قطب غالباً چپ و راست تقسیم می‌شود. کشور فرانسه نمونه بارزی از چنین نظام حزبی است. در این کشور احزاب مختلف وجود دارند و همه با هم در مرحله نخست انتخابات رقابت می‌نمایند. با توجه به نظام انتخاباتی این کشور که نصف به علاوه یک آراء شرط راه‌یابی به مجلس است. انتخابات غالباً به دور دوم کشیده می‌شود. دور دوم در واقع دور ائتلاف است و احزاب هم‌سوی چپ و راست به ائتلاف با یکدیگر اقدام خواهند کرد. (ایوبی، ۱۳۸۲: ۲۵۶).

۴) نظام‌های دارای حزب مسلط

نظام حزب مسلط با نظام‌های تک‌حزبی و نظام‌های حزب برتر با رژیم‌های دیکتاتوری تفاوت دارند. در نظام‌های دارای حزب مسلط، احزاب رقیب غیرقانونی نیستند و از ایدئولوژی‌ها و برنامه‌هایشان ممانعت نمی‌شود. آنها برای کسب مقامات و آراء، موقعیتی مشابه با احزاب مسلط دارند و حتی ممکن است در طول سالیان، به تدریج به پشتیبانی خود بیفزاید و بنابراین نظام حزب مسلط در اساس با نظام تک

حزبی متفاوت است، زیرا که در نظام تک حزبی تنها یک حزب اجازه فعالیت دارد.
(ایوبی، ۱۳۸۲: ۲۶۲)

از بارزترین این گونه نظام های حزبی می توان از نظام حزبی مکزیکی نام برد که پس از انقلاب ۱۹۱۰ مکزیکی، حزب ملی مکزیکی از به هم پیوستن اغلب گروه ها تشکیل گردید و نام خود را به حزب نهادهای انقلابی تغییر داد و از سال ۱۹۲۹ تا اواسط دهه ۱۹۸۰ در هر انتخابات ریاست جمهوری علی رغم مخالفت احزاب دیگر از قبیل محافظه کار، مارکسیست و دیگر احزاب، توانست با تفاوت آراء زیاد پیروز شود و بیش از ۸۰٪ کرسی های کنگره را به دست آورد.

بنابراین نظام حزب مسلط نظامی است که در آن یک حزب به طور متوالی بتواند قدرت را به دست گرفته و در انتخابات از رقیبان خود فاصله بسیار گیرد. دوروزه حزبی را حزب مسلط می نامد که حداقل دو ویژگی داشته باشد:

- در یک برهه قابل توجه از همه حریفان خود پیشی گیرد.
- بتواند طبقات مختلف اجتماعی را در بر گرفته و به عنوان یک حزب ملی درآید.

حزب رادیکال فرانسه در جمهوری سوم از این دو خصلت برخوردار بود و توانست به عنوان حزب مسلط در این کشور ظاهر شود. امروز این گونه احزاب را در کشورهای اسکاندیناوی می توان سراغ گرفت کشورهای سوئد، نروژ، دانمارک برای سال ها حزب مسلط سوسیال - دموکرات توانست به عنوان حزب مسلط از سایر احزاب پیشی گیرند. مهم ترین مزیت این نظام این است که می تواند ثبات و پایداری را برای حکومت به ارمغان آورد و از سقوط پی در پی احزاب جلوگیری نماید.

البته توجه به این نکته ضروری است که نظام حزب مسلط تنها در صورتی می تواند منجر به ثبات و پایداری نظام حکومتی شود که حزب برتر نتیجه ائتلاف شکننده میان احزاب مختلف نباشد، شرط دیگر این است که حزب برتر، حزبی سخت و غیرمنعطف باشد، در غیر این صورت در پارلمان شاهد چند پاره شدن حزب مسلط به گروههای مختلف و از میان رفتن ائتلاف های پیش از انتخابات خواهیم بود. به طور مثال می توان از نظام ایتالیا به عنوان یک نظام حزب مسلط مثال زد، لیکن علی رغم این که حزب مسلط در این کشور حدود ۴۰٪ آراء را به خود اختصاص می داد ولی به دلیل نبود، انضباط حزبی و به دلیل ائتلاف شکننده، حزب مسلط نمی توانست در پارلمان اکثریت ثابت و دائمی را کسب نماید و شاهد سقوط دائمی دولت ها در آن بودیم.

۵) نظام حزب فوق مسلط

اگر حزبی بتواند بیش از ۴۰٪ آراء را در انتخابات از آن خود نماید، حزب فوق مسلط شکل می گیرد. در هندوستان حزب کنگره در انتخابات ۱۹۵۱ و ۱۹۵۲ توانست ۲۵۶ کرسی از مجموع ۴۹۴ کرسی را از آن خود نماید و در سال ۱۹۶۲ تعداد ۳۶۱ کرسی و در سال ۱۹۶۷ تعداد ۲۷۵ کرسی را در پارلمان کسب نمود. (ایوبی، ۱۳۸۲: ۲۶۲)

در نظام مبتنی بر یک حزب مسلط تنها یک حزب توانایی حکومت کردن را دارد. اما دو یا چند حزب مخالف در کنار حزب مسلط وجود دارند که معمولاً نماینده نیروهای اجتماعی ویژه ای هستند و چندان نیرومندند که می توانند بر فراگرد سیاسی درون حزب مسلط تأثیرگذارند و باید گفت که حزب مسلط سیاست کشور را در انحصار خود ندارد، بلکه تا اندازه ای باید در برابر گروه های سیاسی فعال دیگر پاسخگو باشد. (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۶۰۷)

حزب مسلط در یک نظام مبتنی بر یک حزب مسلط ممکن است اکثریت رأی دهندگان را در اختیار نداشته باشد، اما چند پارگی گروه های سیاسی دیگر آن را در یک موقعیت مسلط نگه می دارد.

مرز میان یک نظام چند حزبی و نظام مبتنی بر یک حزب مسلط غالباً روشن نیست و الگوی حدفاصل میان این دو نظام معمولاً این است که یکی از احزاب چندان بزرگ تر از احزاب دیگر است و چنان جایی را در کانون طیف سیاسی اشغال می کند که پیوسته باید در ائتلاف حکومتی حضور داشته باشد.

ث - ارزیابی امنیتی نظام های حزبی

۱) معیارها و الگوی ارزیابی امنیتی

برای ارزیابی امنیتی نظام های حزبی لازم است در ابتدا معیارهایی که بایستی توسط آنها این ارزیابی انجام شود مشخص شوند به عبارت دیگر مواردی که در افزایش و یا کاهش امنیت ملی می تواند تأثیرگذار باشد تعیین گردد تا براساس آن و با تکیه بر آنها ضمن تحلیل نظام های موجود حزبی در جهان آن نظامی که می تواند بهترین و مناسب ترین نظام حزبی برای جمهوری اسلامی باشد و ضمن تأمین امنیت نسبی نظام شرایط لازم و کافی را نیز برای رقابت های حزبی و سیاسی فراهم نماید، پیشنهاد نماییم. این معیارها عبارتند از:

- ثبات و پایداری نظام سیاسی
- حفظ وحدت، یکپارچگی و انسجام ملی

- افزایش سطح مشارکت سیاسی (رقابت‌های سیاسی)
- افزایش مشروعیت سیاسی
- تأمین آزادی‌های مردم و جلوگیری از خودکامگی و استبداد
- جلوگیری از نفوذ اجانب و بیگانگان به درون نظام
- حفظ ارزش‌های حیاتی و بنیانی نظام
- حفظ استقلال و تمامیت ارضی

مناسب‌ترین نظام حزبی آن نظامی است که به طور نسبی در پایداری و ثبات نظام سیاسی تأثیر بیشتری داشته باشد و بتواند وحدت و یکپارچگی و انسجام ملی را استحکام ببخشد و شرایط مناسب‌تری را برای مشارکت مردمی و رقابت‌های حزبی سالم فراهم کند و همین طور بتواند آزادی‌های مردم را نسبت به نظام‌های حزبی دیگر بیشتر تأمین نماید و از استبداد و خودکامگی فردی و حزبی جلوگیری کند و موانع نفوذ اجانب و بیگانگان و وابستگان داخلی آنها به درون نظام سیاسی شود و در حفاظت از ارزش‌های حیاتی و بنیانی نظام و جامعه توانا تر باشد، این چنین نظامی می‌تواند در ایجاد امنیت برای نظام و تأمین منافع ملی مؤثرتر بوده و در رشد و توسعه کشور در ابعاد و زمینه‌های گوناگون مفیدتر و مناسب‌تر باشد. بالعکس آن نظام حزبی که قادر به ایجاد، تثبیت و گسترش موارد فوق نباشد و حتی در کاهش و تضعیف این معیارها مؤثر باشد قادر به تأمین امنیت ملی نخواهد بود و ممکن است در افزایش ناامنی و کاهش امنیت نیز تأثیر فراوانی داشته باشد.

۲) ارزیابی امنیتی نظام‌های غیررقابتی (تک حزبی)

الف) معاسن

- یکپارچه‌سازی و انسجام ملی جامع‌علوم انسانی

برخی بر این اعتقاد هستند که نظام‌های تک حزبی در امر یک پارچه سازی و ایجاد انسجام ملی موفقیت بهتری نسبت به نظام‌های چند حزبی - دو حزب یا چند حزب - دارند و این گونه نظام‌ها با جلوگیری از قطبی شدن نیروهای اجتماعی که معمولاً در نظام‌های چند حزبی مشاهده می‌شود، می‌توانند وحدت ملی را ایجاد کنند. (داد، سی. اچ، ۱۳۶۳: ۱۰۶) احزاب معمولاً می‌توانند در دو بعد به ایجاد یکپارچگی کمک کنند. اول از طریق ارایه سمبل‌ها و آرمان‌هایی که برای کل مردم یک جامعه ارزش و جذابیت داشته باشند و آنها را به دور یک محور گرد آورند و وحدت ببخشند و دوم از طریق کمک به یافتن و ایجاد آن ترتیبات نهادی که مذاکره و کانال‌های ارتباطی نامحدود را تشویق کرده و از این طریق، رهبران سیاسی و

نمایندگان منافع متفاوت را بر سر جای خود نگه دارند و روند تجمع در بین منافع متضاد را تسهیل کنند. برخی از محققین همچون "دالدر" معتقدند که بحران یکپارچگی ملی در بسیاری از کشورها تا قبل از ظهور احزاب حل شده بود و با ظهور احزاب مجدداً این مشکل مطرح گردید و برخی دیگر از محققین از این فراتر رفته و معتقدند که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه در دوره هایی از تاریخ، احزاب نقش مخرب و تفرقه افکنانه ای بازی کرده اند. (حسینی، ۱۳۷۸: ۸۵) کشورهای دارای نظام های تک حزبی مانند کشورهای کمونیستی همچون چین، ویتنام و... در جوامع خود کارکرد یکپارچه سازی را به بهترین وجه انجام داده اند و تنها کشورهای دارای نظام های مبتنی بر حزب مسلط مانند هند و مکزیک، از این نظر با کشورهای تک حزبی قابل مقایسه هستند.

- ثبات و پایداری

هانتینگتون در کتاب سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی با ارایه جدول کودتاهای موفق در کشورهای دستخوش نوسازی از ۱۹۴۵ تا سال ۱۹۶۶ معتقد است که نظام های تک حزبی از نظام های چند حزبی، در مقایسه با دولت های مبتنی بر یک حزب یا یک حزب مسلط و یا دو حزب برای مداخله نظامی آمادگی بیشتری دارند. او می گوید درست است که در سال های ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۶ بسیاری از دولت های تک حزبی آفریقایی با کودتای نظامی سرنگون شدند، اما به هر حال این واقعیت تصویر اساسی رابطه معکوس میان تعداد احزاب و استواری سیاسی را دگرگون نمی کند و با استناد به جدول مذکور مدعی می شود که تا سال ۱۹۶۶ دولت های نوگرای تک حزبی از همه کمتر با کودتای موفق روبرو شده بودند، حال آنکه دولت های نوگرای چند حزبی از همه بیشتر دچار چنین کودتایی شده بودند. البته او معتقد است که هر چند نظام تک حزبی ضمانتی در برابر کودتا ایجاد نمی کند، اما بیشتر نظام های چند حزبی دست کم یک کودتا را به بار می آورند.

جدول کودتاهای موفق در کشورهای دستخوش نوسازی از ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۶

عنوان	تعداد کشورهای	تعداد کشورهای کودتاه دیده	درصد
نظام های تک حزبی	۲۶	۶	٪۲۵
نظام های مبتنی بر یک حزب مسلط	۱۸	۶	٪۳۳
نظام های دو حزبی	۱۶	۷	٪۴۴
نظام های چند حزبی	۲۰	۱۷	٪۸۵

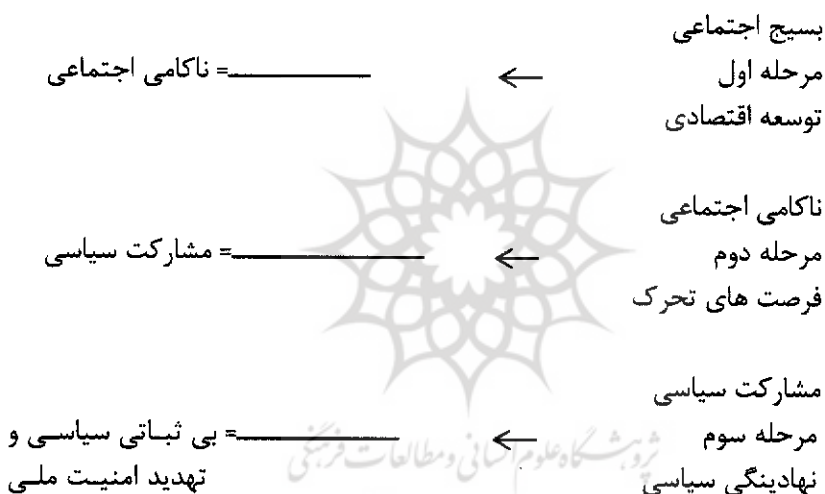
(ب) معایب :

- اگر نظام های تک حزبی نتوانند نیروهای اجتماعی جدید و نوظهور را به درون حزب جذب کنند، یا نظام تک حزبی از بین خواهد رفت و یا به بهای رویارویی یا ناستواری فزاینده و با توسل به اعمال زور هر چه بیشتر، دوام خواهد آورد. (همان: ۶۱۸)

- **عدم رقابت و مشارکت سیاسی:** ضعف نظام های تک حزبی از فقدان رقابت نهادمند در درون نظام سیاسی مایه می گیرد، اما یک نظام چند حزبی این رقابت را به اندازه کافی فراهم می آورد و در نتیجه نظام های چند حزبی اصولاً باید نظام های حزبی نیرومندی باشند. (همان: ۶۱۸) به دلیل خصلت های نظام های تک حزبی امکان مشارکت سیاسی همه اقشار جامعه در آن وجود ندارد و افراد امکان بهره مندی از حق خود برای دخالت در مسایل و تصمیم گیری های سیاسی را ندارند به همین دلیل ثبات سیاسی لازم به دست نخواهد آمد و همین امر بروز بحران های امنیتی را امکان پذیر خواهد نمود.

- **عدم نهادیندگی سیاسی:** به دلیل وجود مشکلات اقتصادی و اجتماعی فراوان در سطح جامعه بایستی امکان طرح موضوعات از طریق کانال های قانونی در

درون یک سیستم سیاسی وجود داشته باشد، اما در نظام های تک حزبی این فرصت برای همه اقلیت جامعه فراهم نمی شود و همین امر باعث می گردد افراد خواسته، ناکامی های اجتماعی و مشکلات اقتصادی خود را متوجه حکومت کرده و چون کانال های قانونی و مشروعی وجود ندارد تا این تقاضاها از طریق آنان در سیستم سیاسی مطرح گردند، موجب بحران و بی ثباتی می گردد. در واقع ناکامی های اجتماعی و اقتصادی منجر به تشدید مشارکت سیاسی گردیده و مشارکت سیاسی نیز در صورت عدم وجود احزاب و نهادهای مدنی قدرتمند در جامعه، تبدیل به بی ثباتی سیاسی می شود و همین امر امنیت ملی کشور را به مخاطره خواهد انداخت، این موضوع را می توان به شکل زیر تبیین نمود: (رحیمی، ۱۳۷۸: ۱۳۸)



- **عدم مشروعیت سیاسی:** احزاب می توانند نقش مؤثری در مشروعیت دادن به حکومت و نظام سیاسی ایفا نمایند. بدین طریق که با پذیرش چارچوب ها و نهادهای قانونی و کار کردن در آن چارچوب ها و نهادها مشروعیت را به کل نظام سیاسی تسری دهند. این امر در نظام های تک حزبی که در آن احزاب گوناگون امکان فعالیت نداشته و همه امور براساس یک تفکر خاص و واحد صورت می پذیرد، امکان پذیر نیست و همین امر در نهایت باعث بروز بی ثباتی سیاسی و بحران های امنیتی خواهد شد، زیرا که اکثریت مردم نقشی در تعیین رهبران سیاسی و مسؤولان نظام حکومتی ندارند و حتی اگر در کوتاه مدت بتوانند مشروعیت نیرومندی ایجاد کنند، اما در درازمدت، به یکنواختی و احساس بی تفاوتی رهبران نسبت به مردم می

انجامد. عدم مشروعیت یا ضعیف شدن پایه‌های مشروعیت دو مسیر محتوم را فراروی دولت قرار می‌دهد. یا این گونه دولت‌ها از جهت داخلی به سمت روش‌های امنیتی سخت‌افزاری رفته و با استفاده از توان دفاعی و نظامی کشور اعمال حاکمیت می‌کنند و یا از بعد بین‌المللی ناچار به سمت همگرایی و نزدیکی با جریان‌های قدرتمند کشیده می‌شوند و در بعضی اوقات ممکن است هر دو مسیر را طی کنند. (ربیعی، ۱۳۸۴: ۳۶۰)

- **عدم تأمین آزادی‌های ملت:** به دلیل ویژگی الگوی نظام حزب واحد که غالباً با گسترش فعالیت‌های سیاسی مخالف است و در پی محدود ساختن فعالیت‌های سیاسی می‌باشد، امکان اعطاء آزادی‌های فردی و اجتماعی مردم در حد مطلوب وجود ندارد، لذا همین امر نتایج ضدامنیتی را به بار خواهد آورد و در درازمدت نمی‌تواند موجب تأمین امنیت ملی کشور شود.

- **ایجاد نظام سیاسی خودکامه و توتالیتر:** هر چند که ممکن است نظام‌های سیاسی مبتنی بر حزب واحد در آغاز با هدف دیکتاتوری و خودکامگی تشکیل نگردند، لیکن در نهایت به دلیل عدم وجود انتخابات آزاد و ساز و کارهای انتقال قدرت مناسب منجر به دیکتاتوری و خودکامگی خواهد شد و همین مسأله آرام آرام در درون خود به یک امر ضدامنیتی تبدیل می‌شوند، زیرا که رقابت‌های سیاسی قهرآمیز و خشن جای رقابت‌های سالم و مسالمت‌آمیز را خواهد گرفت.

۳) ارزیابی امنیتی نظام‌های رقابتی

الف) ارزیابی نظام دو حزبی

• محاسن

- ثبات و پایداری سیاسی:

چون در نظام‌های دو حزبی همه وزیران از یک حزب اکثریت هستند، کابینه‌های با ثبات و پایداری تشکیل می‌شود. ثبات حکومت نیز موجب کارایی اداری و استمرار سیاست در کشور می‌شود و همین امر امنیت ملی کشور را فراهم می‌کند. (ایوبی، ۱۳۸۲: ۲۵۸)

- امکان اصلاح روند امور:

امکان اعمال سیاست‌های باثبات حزب اکثریت در کشور از طریق قانونی شدن سیاست‌های حزبی، این نظام را قادر می‌سازد تا نتایج موفقیت‌ها، ناکامی‌ها و شکست‌های سیاست خود را به صورت کاملاً محسوس ملاحظه و در صورت لزوم اصلاح نماید. بازخورد سیاستها باعث افزایش امنیت ملی واستحکام نظام خواهد شد.

- افزایش مشارکت سیاسی:

در نظام های رقابتی از جمله نظام دو حزبی مشارکت سیاسی افزایش یافته و طبقات مختلف شهری ضعیف و متوسط، کارگران، کشاورزان، روستاییان و دیگر طبقات و اقشار جامعه می توانند برای احقاق حقوق خود در سرنوشت سیاسی خویش دخیل شوند.

با بالا رفتن سطح مشارکت سیاسی و افزایش سطح نهادمندی سیاسی و طرح مسایل از طریق قانونی و حضور نهادی قدرتمند مانند احزاب از بی ثباتی سیاسی و در خطر افتادن امنیت ملی جلوگیری خواهد نمود. در نظام های دو حزبی فشار برای مشارکت سیاسی از هر نظام دیگری بیشتر است، زیرا که حزب شکست خورده تلاش بیشتری برای طیف رأی دهندگان جدید به درون نظام خواهد کرد. (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۶۲۲)

- افزایش مشروعیت سیاسی:

به دلیل حضور و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود، مشروعیت سیاسی نظام نیز افزایش یافته و در نتیجه پشتیبانی مردمی از حکومت باعث ثبات و اقتدار نظام خواهد شد. هر میزان احزاب بتوانند شمار بیشتری از مردم را وارد مشارکت های سیاسی نمایند، مشروعیت نظام نیز به همان میزان افزایش می یابد. احزاب سیاسی در نهادینه شدن امواج پشتیبانی مردمی و ایجاد ساز و کاری مناسب برای تداوم آن نقش مهم و اساسی را می توانند ایفا نمایند. (رحیمی، ۱۳۷۸: ۱۴۰)

- تقویت یکپارچگی و انسجام ملی:

گرچه ممکن است در کشورهای در حال توسعه، در مراحل ابتدایی و آغازین، احزاب نه تنها موجب تقویت یکپارچگی و انسجام ملی نشوند، بلکه حتی در نقطه مقابل باعث تفرقه و ویرانگری گردیده و یکپارچگی و انسجام ملی را با خطر نیز مواجه سازند، لیکن اگر این احزاب در طی زمان تبدیل به احزاب نیرومند شده و منافع ملی را مدنظر قرار دهند، می توانند با ایجاد و تقویت ارتباطات میان گروه ها و اقوام، از هم گسیختگی اجتماعی، قومی، مذهبی و... را کاهش دهند و امنیت ملی را تضمین و تقویت نمایند. (رحیمی، ۱۳۷۸: ۱۴۱)

نظام های دو حزبی بیش از دیگر نظام های رقابتی در این امر توفیق دارند و بهتر می توانند این نقش را ایفا نمایند، زیرا که اکثریت مردم یک جامعه در قالب یکی از دو حزب قرار می گیرند، اما هر چقدر تعداد احزاب افزایش یابد ممکن است گسست اجتماعی و تفرقه نیز افزایش یابد.

دیگر این که در نظام دو حزبی برخلاف نظام چند حزبی، خواسته های متعدد و

متفرق در قالب دو دسته کلی و دارای اولویت بیشتری گردآوری می شوند و وارد نظام سیاسی می گردند، لذا امکان رسیدگی به آنها برای نظام سیاسی امکان پذیرتر است و توان پاسخگویی به آنها برای دولت وجود خواهد داشت. (ایوبی، ۱۳۸۲: ۲۵۸) - افزایش رقابت سیاسی:

دو حزبی بودن یک نظام به این معنی نمی باشد که احزاب دیگری وجود نداشته و یا نتوانند رقابت سیاسی نمایند، بلکه نظام دو حزبی در واقع یک نظام چند حزبی است، لیکن از میان احزاب موجود در جامعه صرفاً این دو حزب به دلیل گسترش پایگاه اجتماعی اشان می توانند بیشترین آراء را کسب نمایند و در واقع همچون دو حزب مسلط در نظام سیاسی مطرح می باشند. از یک سوی جنبه تکثرگرایی سیاسی را دارا می باشند و از سوی دیگر معایب نظام چند حزبی را ندارند.

نظام دو حزبی در تأمین استقلال، آزادی، وحدت ملی، منافع ملی و حفاظت از تمامیت ارضی کشور توفیق بیشتری در مقایسه با دیگر نظام های حزبی دارد.

• معایب نظام های دو حزبی

- محدودیت انتخاب رأی دهندگان:

در نظام های دو حزبی مانند انگلستان و آمریکا رأی دهندگان از تنوع کمتری در انتخاب برخوردارند و جامعه از سلیقه های احزاب دیگر در اداره کشور بی بهره می شوند و همین امر موجب نادیده گرفته شدن شمار زیادی از دیگر منافعی می شود که در قلمرو این دو حزب قرار نمی گیرند.

۲-۱- ایجاد اطلاعات کورکورانه در اعضاء و رهبران:

نظام های دو حزبی به خاطر قدردانی و انتخاب هوشمندانه در اعضاء و رهبران از خودگذشتگی کورکورانه ای را به وجود می آورند و مانع از طرح دیدگاه های انتقادی در درون این گونه احزاب می شوند. (عالم، ۱۳۷۳: ۳۵۲)

- تفرقه و شکاف اجتماعی:

در نظام های دو حزبی ممکن است که مشارکت سیاسی آنقدر شتاب گیرد که شکاف های عمیقی را در نظام به بار آورد و رقابت سیاسی آنقدر زیاد شود که باعث تحرک گروه های مختلف اجتماعی گردد، اما نتواند این گروه ها را جذب نظام سیاسی کرد و همین امر موجب رویارویی گروه ها با نظام شود. (هانتینگتون، ۱۳۷: ۶۲۲)

ب) ارزیابی امنیتی نظام چند حزبی

• محاسن و مزیت های نظام های چند حزبی

بسیاری از محاسن و مزیت های گفته شده در نظام دو حزبی شامل نظام چندحزبی نیز می گردد، لذا از ذکر دوباره آنها خودداری می شود در اینجا فقط به مواردی اشاره می شود که اختصاصاً نظام چندحزبی دارای آن است و دیگر نظام های رقابتی اعم از دو حزبی یا حزب مسلط فاقد آنها می باشد.

- نزدیک تر بودن به دموکراسی واقعی:

نظام چند حزبی به دلیل تعدد احزاب بهترین وسیله برای بیان خواسته های مختلف مردم است و مجلس مرکب از احزاب مختلف در انعکاس افکار عمومی در جامعه از دیگر نظام های حزبی موفق تر است، لذا می توان پذیرفت که نظام چندحزبی به عدالت نزدیک تر است و با دموکراسی هماهنگی بیشتری دارد، زیرا حق انتخاب مردم در این نظام بیشتر از دیگر نظام ها است.

بدیهی است هر چقدر اقشار گوناگون و متعدد و با سلیق متفاوت بتوانند در یک شرایط مناسبی خواسته ها و دیدگاه های خود را آزادانه طرح نمایند، فضای رقابت های سالم و مسالمت آمیز نیز بیشتر خواهد شد و گرایش به سوی برخوردهای خشن و غیرمسالمت آمیز کاهش خواهد یافت و در نتیجه امنیت ملی کشور بیش از پیش استحکام می یابد. (ابویف ۱۳۸۲: ۲۵۴)

- جلوگیری از دیکتاتوری و خودکامگی:

در این نوع نظام ها هیچ حزبی نمی تواند اکثریت مطلق آراء رأی دهندگان را جلب نماید و ناگزیر احزاب مجبور خواهند شد با ائتلاف با دیگر احزاب دولت را تشکیل دهند و همین امر از اعمال دیکتاتوری حزبی و انواع دیگر دیکتاتوری جلوگیری خواهد نمود و احزاب به یکدیگر وابسته خواهند بود و سلیق بیشتری در اجرای سیاست های نظام و حکومت اعمال خواهد گردید.

• معایب نظام های چندحزبی

- بی ثباتی حکومت ها:

نظام چند حزبی قوه مقننه و دولت را به عرصه کشاکش های احزاب و دسته ها تبدیل می کند و معمولاً موجب بی ثباتی حکومت می گردند و همین امر به کارآیی دولت ها آسیب فراوانی وارد می نماید. اگر شمار زیادی از احزاب سیاسی در کشور وجود داشته باشند و هیچ یک اکثریت مطلق نداشته باشند، احزاب مجبور خواهند شد برای تشکیل حکومت اقدام به ائتلاف ناخواسته با دیگر احزاب نمایند و همین امر ممکن است باعث شود تا در کوچک ترین مسایل و بروز اختلافات میان احزاب تشکیل دهنده دولت، سقوط پیاپی دولت را شاهد بوده و در نتیجه باعث بی ثباتی

سیاسی در جامعه شوند. (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۶۱۹)

- تفرقه و عدم انسجام ملی:

تفرقه و گروه‌گرایی شدید از عواقب منفی نظام های چندحزبی است. در یک نظام چندحزبی رقابت آمیز هر حزبی انگیزه نیرومندی برای توسل به یک گروه ویژه دارد و ممکن است همین امر موجب بروز دشمنی های قومی و مذهبی گردیده و تحریک مردم و گروه های اجتماعی و مذهبی و قومی شکاف های اجتماعی را بیش از پیش گسترده تر و ژرف تر و عمیق تر نماید. چنین نظامی با متشتت کردن افکار، موجب گسترش تضاد میان ذهنیت های سیاسی و جلوگیری از شکل گیری اجماع در مورد نظام سیاسی و مقامات و سیاست های آن می شود و بحران یکپارچگی را برای یک کشور به وجود می آورد.

تدرابرت گر معتقد است که احزاب همیشه نمی توانند به عنوان کانالیزه کننده، اعتراض ها به سوی رقابت های مسالمت آمیز و مبدل خشونت های سیاسی و جریانان های زیرزمینی به بازی قاعده مند عمل کنند. در واقع در اکثر موارد مورد مطالعه، احزاب سیاسی قانونی در حدود ۴۳٪ در شروع خشونت ها و ناآرامی ها نقش داشته اند. (حسینی، ۱۳۷۸: ۱۱)

این امر خصوصاً برای کشورهایی که از چندپاره گی و واگرایی داخلی رنج می برند و در پی ایجاد وحدت و رفع واگرایی ها و چندپارگی ها هستند، مشکلات موجود را چند برابر می کند. در واقع نظام چندحزبی و ایجاد رقابت های تند سیاسی موجب صف بندی طبقاتی، قومی، زبانی و محلی گردیده و به مثابه کالای لوکسی است که نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد بلکه هزینه های فراوانی را موجب خواهد گردید و تنها برای نظام های سیاسی مفید است که از یکپارچگی و انسجام بسیار زیادی برخوردار هستند. (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۶۲۵)

- عدم ظهور رهبری قاطع برای حل مشکلات:

نظام های چندحزبی، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه اغلب باعث شده است تا دستیابی به اکثریت انتخاباتی و تشکیل دولت مشکل گردد، در نتیجه دولت ها به ائتلاف حزبی وابسته می شوند و به ناچار برای تشکیل دولت و تداوم وضع موجود به سازش با یکدیگر تن در داده و همین امر باعث می شود که شکل گیری رهبری قاطع و باثبات که نقش مهمی در مقابله با مشکلات پیچیده پیش روی کشورهای در حال توسعه دارد، امر محال جلوه نماید.

- ترجیح دید منطقه ای و محلی بر منافع ملی:

نظام چند حزبی موجب می گردد که رأی دهندگان کمتر دید کلی و ملی داشته

باشند و بیشتر به منافع محلی و منطقه ای توجه نمایند و از پرداختن به منافع ملی غافل گردند. به عبارت دیگر در نظام چندحزبی خواسته های متعدد و پراکنده ای مطرح می شود و دولت توان پرداختن و پاسخگویی به آنها را نخواهد داشت. در صورتی که در نظام دوحزبی خواسته های متعدد و متفرق در قالب دو دسته خواسته های بسیار کلی تر و دارای اولویت بیشتر گردآوری می شوند و وارد نظام سیاسی می گردند. (ایوبی، ۱۳۸۲: ۲۵۵)

پ) ارزیابی امنیتی نظام حزبی مبتنی بر حزب مسلط

• محاسن و مزیت ها:

از آنجایی که نظام حزبی مبتنی بر حزب مسلط از اقسام نظام های رقابتی محسوب می شود، بسیاری از محاسن انواع نظام های رقابتی نیز شامل این نوع نظام حزبی می گردد.

- ایجاد ثبات و پایداری دولت در عین رقابت سیاسی:

مهم ترین ویژگی و امتیاز این نظام این است که می تواند ثبات و پایداری را برای حکومت ها به ارمغان آورد و از سقوط پی در پی احزاب جلوگیری کند، البته مشروط بر این که نظام حزب مسلط نتیجه ائتلاف شکننده نباشد و از این نظر شباهت زیادی به نظام های تک حزبی دارد. از سوی دیگر به دلیل رقابتی بودن این نوع نظام ها و امکان مشارکت سیاسی دیگر احزاب و گروه ها، این نظام قادر به ایجاد دموکراسی و شرایط مناسب رقابت سیاسی نیز هست. در واقع نظام مبتنی بر حزب مسلط در نقطه بهینه و مناسب تعارض میان ثبات و اقتدار حکومت از یک سو و بسیج مردمی و مشارکت و توسعه سیاسی از سوی دیگر قرار دارد. (نقیب زاده، ۱۳۷۸: ۹۸)

- انسجام و یکپارچی ملی:

بعد از نظام های تک حزبی، نظام های حزبی مبتنی بر حزب مسلط در امر انسجام ملی که از عوامل مهم و شاخص های اصلی امنیت ملی کشور است نسبت به نظام های رقابتی دیگر توفیق بیشتری داشته است. کسب متوالی آراء انتخاباتی در برنامه ریزی و تقویت انسجام و یکپارچگی ملی نقش مؤثر را ایفا می نماید و فرصت لازم را برای مسؤلان حکومتی فراهم می نماید. (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۶۲۵)

- معایب:

نظام حزبی مبتنی بر حزب مسلط موجب عدم پویایی نظام سیاسی به دلیل حاکمیت طولانی یک حزب بر جریان سیاسی کشور می شود. این حاکمیت طولانی موجب می گردد تحرک و تغییر از بین برود و مانع رشد دیگر جریان های موجود در

جامعه شود.

دیگر این که حزب با استفاده از موقعیت و تسلط طولانی خود بر حاکمیت ممکن است تعمداً شرایطی را به وجود آورد تا همواره موقعیت خود را تحکیم بخشیده و به نحوی دیکتاتوری حزبی را ایجاد نماید. (حسینی، ۱۳۷۸: ۵۲)

ارایه الگوی حزبی پیشنهادی برای ج.ا.ا

با توجه به بررسی محاسن و معایب نظام‌های حزبی گوناگون، به نظر می‌رسد مناسب‌ترین نوع نظام حزبی برای کشور ما نظام‌های حزبی مبتنی بر حزب مسلط- اعم از یک حزبی و یا دوحزبی باشد. در واقع نظام دو حزبی نیز نوعی نظام حزب مسلط است با این تفاوت که در این نوع نظام به جای تسلط یک حزب، دو حزب به صورت متوالی یا متناوب یکی پس از دیگری موفق می‌شوند که اکثریت آراء را کسب نمایند و در هر برهه‌ای از زمان، زمام امور در کشور را به دست می‌گیرند. محاسن این نوع نظام نسبت به نظام‌های دیگر عبارتند از:

۱- افزایش رقابت و مشارکت سیاسی

در این نوع نظام‌ها رقابت‌های سیاسی در حد قابل قبولی صورت می‌گیرد و می‌تواند نشاط سیاسی را فراهم نماید. این نوع نظام مشکل نظام‌های تک‌حزبی را که در آن فعالیت حزبی و رقابت سیاسی موجود نیست را ندارد و برای نظام جمهوری اسلامی که منادی مردم‌سالاری است نیز مناسب تر است. اصولاً نظام‌های تک‌حزبی با اصول و مبانی نظری انقلاب اسلامی به هیچ‌وجه سازگاری ندارند و دقیقاً ج.ا.ا در نقطه مقابل این گونه نظام‌های غیردموکراتیک و تک‌صدایی قرار دارد. آیات قرآن و روایات اسلامی همواره در اداره اجتماع و زندگی جمعی بر امر مشورت و استفاده از نظرات گوناگون تأکید نموده است و پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) در طول زندگی خویش خصوصاً در اداره نظام اسلامی بر این امر تأکید نموده‌اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به همین دلیل وجود احزاب، گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی را مورد تأیید قرار داده است و حضرت امام (ره) نیز بر این امر تأکید داشته است. ایشان هم در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با نظام تک‌حزبی سلطنت پهلوی به شدت به مخالفت برخاست و اعلامیه شیدالحنی را علیه این سیاست صادر فرمود. (نوذری، ۱۳۸۰: ۲۰۸) و هم در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با تک‌حزبی و یکسان- سازی مخالفت کرده و وجود نظرات گوناگون و گرایش‌های متفاوت حتی در میان قشر روحانیت را نیز اعتقاد داشته و نه تنها با آن مخالفتی نکرد، بلکه با این امر موافقت نمود و جدا شدن مجمع روحانیون مبارز تهران را تأیید فرمودند. از سوی دیگر نظام

مبتنی بر حزب مسلط (یک حزبی یا دوحزبی) از محاسن نظام‌های چندحزبی در امر رقابت‌های حزبی نیز برخوردار است، زیرا که در این نوع نظام‌ها برخلاف نظام‌های تک‌حزبی رقابت‌های حزبی مجاز شناخته شده و احزاب دیگر می‌توانند در یک رقابت سالم و قانونی با حزب یا احزاب مسلط شرکت داشته و تلاش خود را برای کسب آراء و رسیدن به قدرت سیاسی به عمل آورند و در صورت موفقیت نیز مجاز خواهند بود که در تشکیل دولت در قوه مجریه و یا کسب اکثریت مجلس اقدام نمایند.

۲- ثبات و پایداری سیاسی نظام

نظام حزبی مبتنی بر حزب مسلط (یک یا دو حزب) از یک طرف از پایداری نظام‌های تک‌حزبی برخوردار است و البته به دلیل متکی بودن به آراء مردمی از استحکام و دوام بیشتری نیز نسبت به آن نظام‌ها برخوردار می‌باشد و مشکلات امنیتی نظام‌های تک‌حزبی که ناچار هستند با استفاده از زور و قوه قهریه حاکمیت خود را حفظ نمایند دارا نمی‌باشند، زیرا نظام‌های تک‌حزبی هر چند ممکن است در یک دوره زمانی قابل توجهی، پایداری داشته باشند، لیکن این نوع پایداری نه تنها قادر به تأمین منافع ملی نمی‌باشد، بلکه در نهایت به دلیل نارضایتی عمومی و مخالفت‌های سیاسی - اجتماعی گسترده با مشکلات امنیتی فراوانی روبرو خواهند شد. (افنخاری، ۱۳۸۰: ۳۲۸) از سوی دیگر از معایب نظام‌های چندحزبی نیز مصون می‌باشد، زیرا نظام‌های چندحزبی به دلیل تکثر فراوان احزاب از ثبات و پایداری سیاسی لازم برخوردار نمی‌باشند و حزب حاکم ناچار می‌شود تا با انجام ائتلاف‌های شکننده با احزاب دیگر نسبت به تشکیل دولت اقدام نماید، اما به تجربه نشان داده شده است که این نوع ائتلاف‌ها سریعاً و با کوچک‌ترین اختلافی از بین رفته و دولت‌های ائتلافی نیز به ناچار مجبور به استعفا گردیده و با ناپایداری فراوانی مواجه می‌گردند. (نقیب‌زاده ۱۳۸۰: ۹۸۹) بدیهی است جمهوری اسلامی ایران از آنجایی که در منطقه‌ای قرار دارد که در آن دارای دشمنانی است که هر لحظه مترصد وارد کردن ضربه‌ای به آن می‌باشد، هرگز نمی‌تواند و نمی‌باید که دارای دولتی باشد که آن دولت ثبات و پایداری لازم را نداشته باشد. بالعکس با توجه به این شرایط دولت‌های نظام جمهوری اسلامی حتماً بایستی از ثبات و اقتدار لازم و قابل قبولی برخوردار بوده تا بتواند از منافع ملی خود در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به خوبی حفاظت و حراست نمایند. اصولاً نظام‌های چندحزبی برای کشورهای مناسب است که هیچ‌گونه تهدید خارجی نداشته و از مشکلات امنیتی بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی نیز کاملاً در امان باشند و هرگز برای کشورهای در حال توسعه خصوصاً کشوری مانند ایران که

اطراف آن را تهدیدهای متعددی فرا گرفته است مناسب نمی‌باشد.

۳- یکپارچگی و انسجام ملی

از آنجا که نظام حزب مسلط به طور مستمر تلاش می‌کند تا اکثریت مردم را در قالب یک یا دو حزب مسلط جذب نماید و هم به دلیل فراگیر بودن این‌گونه احزاب در سراسر کشور، به طور قابل توجهی مانع از تفرقه، تشتت، هرج و مرج و اختلافات قومی- مذهبی و... در سطح کشور می‌شود. بدیهی است این نوع نظام‌های حزبی برای کشور ما که دارای اقوام متعددی است و مذاهب قابل توجهی در کشور وجود دارند، مناسب‌تر می‌باشد. در واقع این نوع نظام‌های حزبی هم از محاسن نظام‌های تک‌حزبی که بهتر از نظام‌های دیگر قادر به انسجام بخشیدن به کشور و مانع از تفرقه و جدایی و چندپارگی هستند برخوردار است و هم از معایب نظام‌های چندحزبی که رقابت در آنها عموماً باعث تشدید اختلافات قومی- مذهبی گشته و شکاف‌ها و گسست‌های اجتماعی و تعارضات را عمیق‌تر می‌کند، مبرا است. (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۶۲۵)

۴- مشروعیت سیاسی

نظام‌های دو حزبی به این دلیل که می‌توانند مردم را در اداره کشور و تعیین سرنوشت خود دخیل نمایند و حکومت نیز می‌تواند از این حضور برای خود مشروعیت لازم را کسب نماید و در نتیجه این امر باعث افزایش امنیت ملی کشور گردد مناسب می‌باشند و از این نظر هم از معایب نظام‌های تک‌حزبی که فاقد مشروعیت لازم می‌باشند، مبرا هستند و هم از محاسن نظام‌های چند حزبی در این خصوص بهره‌مندند. جمهوری اسلامی ایران هم به این دلیل که از یک طرف نظامی است دارای مشروعیت الهی و از سوی دیگر برای رأی و نظر مردم ارزش و احترام فراوانی قابل است و مطابق با قانون اساسی‌اش نیز بایستی همه امور کشور متکی به آراء مردم باشد، به شدت نیازمند به حضور مردم و کسب مشروعیت سیاسی در کنار مشروعیت الهی است. نظام‌های مبتنی بر حزب مسلط (یک یا دو حزب) قادر خواهند بود که این مشروعیت را برای نظام کسب نمایند.

۵- جلوگیری از رخنه بیگانگان به درون نظام

این گونه نظام‌ها به طور نسبی بهتر از دیگر نظام‌ها قادر به حفاظت و جلوگیری از نفوذ بیگانگان یا وابستگان آنها به درون نظام سیاسی می‌شوند، زیرا که رهبران احزاب سیاسی (یک یا دو حزب) برای نظام شناخته شده‌تر هستند و به همین دلیل امکان نفوذ در ارکان نظام کمتر اتفاق می‌افتد و لذا امنیت ملی نظام بهتر از انواع نظام‌های دیگر خصوصاً نظام چندحزبی که امکان نفوذ و رخنه دشمن در آنها سهل‌تر

و آسان‌تر از نظام‌های حزب مسلط صورت می‌گیرد، تأمین می‌شود. از آنجایی که در این نوع نظام‌های حزبی رقابت‌ها در چارچوب اصول و قوانین و ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد خطوط قرمز نظام بهتر رعایت شده و در رقابت‌های سیاسی بین دو حزب به منافع ملی کشور بیشتر توجه می‌شو و افراد مخالف نظام که خواهان براندازی یا تغییر نظام می‌باشند، امکان و فرصت لازم را برای رسیدن به مقاصدشان پیدا نخواهند کرد.

۶- امکان توسعه همه‌جانبه کشور

با توجه به این که نظام‌های مبتنی بر حزب مسلط (یک یا دو حزب) از ثبات و پایداری بیشتری نسبت به نظام‌های چندحزبی برخوردار هستند، امکان بیشتری برای برنامه‌ریزی مستر برای رشد توسعه کشور در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد. به همین دلیل برای نظام جمهوری اسلامی که قصد دارد با سرعت بیشتری مسیر رشد و توسعه را طی کند و به مراحل بالای پیشرفت و ترقی برسد این گونه نظام‌ها مناسب‌تر بوده و فرصت بیشتری را برای این امر در اختیار مسؤولان نظام قرار می‌دهد و کمتر با تغییر مسؤولان اجرایی و قانون‌گذاری کشور مواجه خواهند بود و همین امر منافع ملی کشور را بهتر تضمین نموده و امنیت ملی کشور را نیز بهتر تأمین خواهد نمود. از سوی دیگر پاسخگویی مسؤولان اجرایی کشور در برابر عدم موفقیت‌ها و نا به سامانی‌ها شفاف‌تر می‌شود، زیرا حزب پیروزی که توانسته است اکثریت آراء مردم را کسب نماید دست او برای اجرای وظایف و انتخاب مسؤولان کشوری باز بوده و هیچ مانع دیگری نیز در مقابل او قرار نداشته و نخواهد توانست بهانه‌ای بر عدم توانایی‌اش برای مردم مطرح نماید و مردم بهتر خواهند توانست آن حزب را مورد ارزیابی قرار داده و در مورد آن قضاوت نمایند.

۷- تأمین آزادی‌ها و جلوگیری از خودکامگی و استبداد

به دلیل آزادی فعالیت احزاب در این نوع نظام‌های حزبی، امکان نقد و سؤال از عملکرد مسؤولین وجود داشته و از سوی حزب رقیب نیز فعالیت‌ها و اعمال حزب حاکم همواره تحت مراقبت و نظارت مستمر قرار می‌گیرد، لذا فرصت لازم برای اعمال دیکتاتوری، استبداد و خودکامگی برای آن وجود نخواهد داشت. بنابراین این نوع نظام‌های حزبی از عیوب نظام‌های تک‌حزبی می‌باشند، زیرا که در نظام‌های تک‌حزبی به دلیل عدم وجود احزاب رقیب امکان نقد و بررسی حاکمان وجود نداشته و همین امر منجر به ایجاد یک نوع دیکتاتوری فردی یا حزبی می‌شود و هم دارای محاسن نظام‌های چندحزبی است که حضور احزاب و گروه‌های سیاسی موجود در

جامعه امکان ایجاد دیکتاتوری و استبداد را منتفی می نماید. برای جمهوری اسلامی ایران نیز که نظامی است آزاد و متکی بر آراء مردم و مخالف با استبداد و دیکتاتوری این گونه نظام‌های حزبی مناسب بوده و بهتر از نظام‌های دیگر قادر خواهد بود امنیت ملی کشور را در این خصوص تأمین نماید و مانع از ایجاد دیکتاتوری فردی یا حزبی گردد.

۸- حفاظت از ارزش‌های حیاتی و بنیانی نظام

تجربه سه دهه انقلاب اسلامی ایران نشان داده است که رقابت سیاسی آزاد بین گروه‌ها و احزاب درون نظام که به اصول و ارزش‌های حیاتی و بنیانی نظام اعتقاد دارند، بهتر خواهد توانست از این اصول و ارزش‌ها حفاظت نموده و بخش قابل توجهی از امنیت ملی کشور که متکی به حفظ این اصول و ارزش‌هاست تأمین شود. هرگاه شرایط لازم برای فعالیت احزاب در کشور به گونه‌ای فراهم شود که رقابت‌های سیاسی در اولویت قرار گیرد، به نحوی که احزاب و گروه‌های متعدد و فراوانی همچون قارچ و بدون هیچ گونه حساب و کتابی از زیر خاک سربرآوردند، ارزش‌ها و اصول حیاتی و بنیانی نظام به میزان قابل توجهی در صحنه این رقابت‌ها دچار آسیب شده و لطمات جبران‌ناپذیری به آنها وارد می‌شود. در دهه اول و سوم انقلاب به روشنی شاهد این وضعیت نا به هنجار هستیم. به گونه‌ای که در دهه اول انقلاب حضور گروه‌های مارکسیستی، التقاطی و ملی‌گرای افراطی در صحنه سیاسی کشور با سوءاستفاده از آزادی‌های داده شده نسبت به جمع‌آوری سلاح و مهمات اقدام نموده و حرکت‌های مسلحانه خود را علیه این اصول بنیادی سازمان دادند. (حزب و امنیت ملی در ج.ا، ۱۳۷۸: ۱۵) در دهه سوم انقلاب نیز (از سال ۱۳۸۴-۱۳۸۴) که مجدداً زمینه لازم برای ظهور احزاب و گروه‌های سیاسی در پرتو شعار توسعه سیاسی فراهم آمد و بیش از ۲۰۰ حزب، گروه و تشکل سیاسی از کمیسیون ماده ۱۰ احزاب مجوز فعالیت دریافت داشتند، امنیت ملی کشور مجدداً از این ناحیه به شدت مورد تهدید واقع گردید. در چنین شرایطی که هم از نظر ایدئولوژیک و هم از نظر عملی شاهد شکاف‌های گسترده ملی می‌باشیم و مدیریت سیاسی کشور در این دوران قادر به تأمین حفاظت از ارزش‌های اساسی و اصولی نظام نبوده و در واقع در دوره جدید به نوعی شاهد ناکامی در تحقق اهدافی که در اندیشه انقلاب اسلامی وجود داشت و در دهه اول انقلاب برای تأمین امنیت ملی کشور از آنها بهره برده می‌شد، می‌باشیم و این امر مهم‌ترین تهدید برای آینده نظام به حساب آمد. (ولی پور زرومی، ۱۳۸۳: ۴۴۲) بدیهی است نظام مبنی بر حزب مسلط (یک یا دو حزب) قادر

خواهد بود از بروز این گونه تهدیدات تا حد قابل توجهی جلوگیری نماید.

۹- سابقه سه دهه گذشته انقلاب

بررسی سه دهه گذشته انقلاب اسلامی خود تجربه بسیار مفید و گران‌بهایی در این خصوص است، زیرا همواره حاکمیت سیاسی و اجرایی و قانونگذاری کشور در اختیار دو جریان عمده و اصلی طرفدار انقلاب بوده است. دو جریان فکری داخل نظام به نوبت توانسته بودند که اکثریت آراء مردم را در انتخابات متعدد و مختلف مجلس و ریاست جمهوری کسب نمایند و به ترتیب طی سال‌های متوالی و گاه متناوب ساکنان اداری کشور را به دست گیرند هر چند نمی‌توان به بعضی از جریان‌ها و گرایش‌ها موجود در جامعه به درستی عنوان حزب اطلاق نمود و در واقع در چارچوب تعاریف مصطلح از حزب قرار نمی‌گیرند، لیکن به وضوح می‌توان تمام گروه‌ها، احزاب، سازمان‌ها و جریان‌ها و سازمان‌های فعال در این دوران را در قالب دو جریان اصلی که در گذشته از آنها با اصطلاحاتی هم چون چپ و راست و امروزه از آنها به دو جریان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب یاد می‌شود قرار داد. در واقع گذشته انقلاب تا حدودی بیان‌گر وجود یک نظام دوحزبی مسلط در کشور می‌باشد و از نظر امنیتی اگر این وضعیت مشروط به انجام اصلاحاتی در رفتار و عملکرد احزاب و گروه‌ها ادامه یابد. (توجه بیشتری به منافع ملی) می‌تواند به نظام دوحزبی مناسبی تبدیل شود.

در پایان با توجه به ادله مذکور به نظر می‌رسد با توجه به شرایط انقلاب اسلامی و نوع تهدیداتی که در سطح بین‌الملل متوجه آن است و هم به دلیل شرایط خاص داخلی انقلاب و سرمایه‌گذاری دشمن در ایجاد تفرقه و اختلافات قومی و فرقه‌ای به منظور ایجاد چندپارگی و تشتت و همین‌طور به دلیل لزوم ثبات سیاسی برای ادامه مسیر در راه رسیدن به توسعه و رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیل به مرتبه‌های عالی در این زمینه، بهتر است نظام حزبی مبتنی بر حزب مسلط (یک یا دو حزب) در کشور ایجاد شود تا ضمن تأمین امنیت ملی کشور و حفظ منافع ملی، آزادی‌های سیاسی مشروع و قانونی آحاد مردم تأمین گردد و رقابت‌های سیاسی و حزبی نیز برای ارتقاء سطح مشارکت مردمی در تعیین سرنوشت خود و دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی، صورت پذیرد و احزاب بتوانند کارکردهایی را که از آنها مورد انتظار است، بهتر انجام دهند و به کادرسازی و تربیت نیروی انسانی، آموزش سیاسی، کمک شفافیت سیاسی، جلوگیری از فساد سیاسی و مقابله با دیکتاتوری و استبداد فردی یا حزبی، تقویت انسجام ملی، تقویت روحیه کار جمعی، نهادینه کردن

فعالیت‌های سیاسی و... بپردازند. البته در این خصوص لازم است که به خطوط قرمز نظام نیز توجه ویژه‌ای صورت گیرد تا ضربه‌ای به امنیت ملی کشور وارد نیاید. ملاحظاتی که باید توسط احزاب مورد توجه عبارتند از:

- فعالیت احزاب باید در جهت تحکیم مبانی انقلاب اسلامی و در جهت پیاده کردن آرمان‌های آن باشد.
- احزاب باید در جهت تقویت ایمان و هویت اسلامی آحاد مردم تلاش نمایند.
- احزاب بایستی خود را جزئی از نظام دانسته و با اصول قانون اساسی خصوصاً اصل ولایت فقیه معارضه نمایند.
- فعالیت احزاب نباید به تضعیف، تهدید و یا نقض منافع ملی منجر شود.
- فعالیت احزاب نباید وفاق و وحدت ملی را مخدوش نماید، بلکه باید در جهت یکپارچگی و انسجام ملی حرکت نمایند.
- فعالیت احزاب نباید استقلال کشور را مورد خدشه قرار دهد.
- احزاب نباید با اصول اسلامیت و جمهوریت نظام مخالفت نمایند.
- احزاب نباید تبدیل به عامل دشمن و بیگانه شده و در جهت منافع آنها حرکت نمایند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

□ منابع و مأخذ:

- ۱- ابوالحمد، عبدالحمید، مبانی علم سیاست، ج ۱، تهران، توس، ۱۳۶۸.
- ۲- افتخاری، اصغر، درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی، تهران، فرهنگ گفتمان ریاست جمهوری مرکز بررسی‌های استراتژیک، ۱۳۸۰.
- ۳- افتخاری، اصغر، «چهره متغیر امنیت داخلی»، بررسی نسبت امنیت داخلی با رقابت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره چهارم، ۱۳۷۸.
- ۴- ایوبی، حجت‌الله، پیدایی و پایانی احزاب سیاسی در غرب، تهران، سروش، ۱۳۸۲.
- ۵- بوزان، باری، مردم، دولت‌ها و هراس، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
- ۶- تحزب و امنیت ملی در ج.ا.ا، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۷.
- ۷- حسینی، حسین، حزب و توسعه سیاسی، تهران، نشر امن، ۱۳۷۸.
- ۸- دوورژه، موریس، احزاب سیاسی، رضا علوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- ۹- ربیعی، علی، مطالعات امنیت ملی: مقدمه‌ای بر نظریه‌های امنیت ملی در جهان اسلامی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت خارجه، ۱۳۸۴.
- ۱۰- رحیمی حسین، «نقش احزاب در توسعه سیاسی و امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره چهارم، ۱۳۷۸.
- ۱۱- رقابت و مشارکت سیاسی در دهه ۸۰، تهران پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱.
- ۱۲- زنی، آستین، حکومت: آشنایی با علم سیاست.
- ۱۳- روزنامه کیهان، آسیب‌شناسی رفتار احزاب در جامعه، شماره ۱۸۷۱۴، یکشنبه ۸۵/۱۱/۲۴.
- ۱۴- روزنامه کیهان، کارکردهای بسیج، روحانیون و احزاب، شماره ۱۸۲۷، چهارشنبه ۸۵/۱۱/۱۱.
- ۱۵- سی، اچ، داد، رشد سیاسی، عزت‌الله فولادوند، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳.
- ۱۶- شاکری، سیدرضا، نهاد و نهادمندی سیاسی در ج.ا.ا، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲.
- ۱۷- عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، ۱۳۷۳.
- ۱۸- عمید زنجانی، عباسعلی، فقیه سیاسی، ج سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳.
- ۱۹- قانون اساسی ج.ا.ا.
- ۲۰- ماندل، رابرت، چهره متغیر امنیت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷.
- ۲۱- محمدی‌نژاد، حسن، احزاب سیاسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۵.

- ۲۲- میشل، رابرت، احزاب سیاسی، حسن پویان، تهران، انتشارات چاپخش، ۱۳۶۸.
- ۲۳- نوذری، عزت‌الله، تاریخ احزاب سیاسی در ایران، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۸۰.
- ۲۴- نقیب‌زاده، احمد، «عملکرد و نقش احزاب سیاسی در جوامع امروزی»، تهران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۸، ۱۳۶۸.
- ۲۵- ولی‌پور زرومی، سیدحسین؛ گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.
- ۲۶- هانتینگتون، ساموئل، سازمان‌های سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، محسن ثلاثی، تهران، نشر علم، ۱۳۷۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پڙو ٻيٽ شڪاھ علوم انساني و مطالعات فرھنگي
پرتال جامع علوم انساني